

مسئله «تستر» (حجاب) زنان در مطبوعات دینی مشروطه دوم عثمانی:

مطالعه‌ای بر پایه مجله سبیل‌الرشاد¹

زهرا خدائی قشلاق²

دانشجوی دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)،
قزوین، ایران.

ولی اله برزگر کلیشمی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
مهدی عبادی

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

مجله سبیل‌الرشاد از جمله مجلات متعلق به طیف سنت‌گرایان جامعه عثمانی در آغاز دوره مشروطه بود که به شکلی فعال مسائل اجتماعی، دینی و مذهبی جامعه را منعکس و دغدغه‌های نویسندگان سنت‌گرا را بازتاب می‌داد. رواج و رونق ارزش‌های اروپایی ناشی از سیاست‌ها و فعالیت‌های نوگرایانه به چالشی مهم برای جامعه دینی عثمانی تبدیل شده بود و مسئله تستر زنان از جمله این مسائل به شمار می‌رفت. با توجه به اینکه گروه‌ها و جریان‌های نوگرا تلاش می‌کردند از طریق مطبوعات تصویر زنان اروپایی و آزادی‌های اجتماعی آنها از جمله در امر پوشش را به تصویر بکشند، نویسندگان مجله سبیل‌الرشاد بر آن بودند، با اتکا بر سنت‌های رایج در جامعه عثمانی، به عنوان جامعه‌ای دینی به مواجهه با آن اندیشه‌ها و صاحبان

1. تاریخ دریافت: 1404/02/15 ؛ تاریخ پذیرش: 1404/03/19

2. رایانامه نویسنده مسئول: zahrakhodaietk@gmail.com

آنها پردازند. بنا بر آنچه از نگاشته‌ها و مقالات آنان در این مجله برمی‌آید، مساله تستر زنان از دیدگاه آنها مساله‌ای دینی و شرعی است و نمی‌توان تغییری در احکام دینی و فقهی مرتبط با آن صورت داد. همچنین به باور آنان، طی ادوار مختلف تاریخ اسلام، تستر مانعی برای پیشرفت و تعالی زنان نبوده است. افزون‌براین، از منظر این نویسندگان، در جوامع اسلامی غیرت دینی و اجتماعی مردان مسلمان با پدیده بی‌حجابی همخوانی ندارد و آزادی پوشش زنان، به امنیت اجتماعی آنها آسیب خواهد زد و وجهه زنان را مخدوش می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تاریخ زنان، تستر زنان (حجاب شرعی) در جامعه عثمانی، مجله سبیل‌الرشاد.

مقدمه

جامعه عثمانی در اواخر قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی و اوایل قرن چهارده هجری/ بیستم میلادی تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی-فرهنگی را تجربه می‌کرد که برآیند آن منتهی به مشروطه شد و به دنبال آن دوره‌ای آغاز گردید که زمینه را برای تغییرات گسترده‌تر در ابعاد مختلف جامعه فراهم آورد. باتوجه به کم‌وکیف تحولات تاریخی دوره مشروطه در مقایسه با ادوار قبل و بعد از آن به‌ویژه از منظر مسائل اجتماعی حتی می‌توان از این دوره به‌عنوان مقطعی مهم برای گذار جامعه عثمانی از هویت سنتی به هویت جدید یا همان تجددگرایی یادکرد. سرعت قابل‌اعتنای تحولات از تنظیمات (1255-1293 هـ/ 1839-1876 م) تا مشروطه دوم (1326-1336/ 1908-1918 م)، جامعه عثمانی را با چالش‌های هویتی متعدد ناشی از رویارویی سنت‌گرایی و تجددگرایی مواجه کرده بود. به‌موازات گسترش فزاینده و اشاعه ارزش‌های تجددگرایانه و غربی در جامعه عثمانی، جریان‌ها و گفتمان‌های مختلف معارض با آن در عرصه عمومی به رقابت و هماوردی می‌پرداختند. بدین ترتیب، عثمانیان که به مدت چندین قرن در قامت یک امپراتوری قدرتمند نواحی پهناوری از آسیا، اروپا و آفریقا را تحت تسلط خود داشتند، در این دوره برای حفظ هویت خود در برابر امواج تجدد غربی به هر تلاشی دست می‌زد و از هر ابزاری استمداد می‌جست. در این شرایط آشفته سیاسی و اجتماعی، مطبوعات به‌عنوان بازتاب‌دهنده افکار و اندیشه‌های جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، به بستری مهم برای بازنمایی مواجهه و تقابل این جریان‌ها و گفتمان‌های برخاسته از آن تبدیل شده بودند. در واقع، درحالی‌که جریان‌های متجدد و نوگرا با اتکا بر الگوهای غربی در حال ترویج ارزش‌های فرهنگی اروپایی بودند، سنت‌گرایان و طیف‌های متدین جامعه عثمانی نیز باتکیه بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و اسلامی برای مقابله با آنها و به‌نوعی حفظ و استمرار هویت موجود آن می‌کوشیدند. از جمله موضوعات مناقشه‌برانگیز، بحث پوشش زنان و کم‌وکیف آن بود که در

مقاطعی به یکی از نمادهای تقابل و جدال فرهنگی تجددگرایان و سنت‌گرایان درآمد. باتوجه به اینکه با آغاز مشروطه، شرایط مطلوب‌تری برای جرائد و مطبوعات فراهم شد، گروه‌ها و جریان‌های سنت‌گرا نیز با استفاده از این وضعیت و انتشار روزنامه‌ها و مجلات متعدد، درصدد برآمدند با پرداختن به وجوه امتیاز ارزش‌های فرهنگی اصیل جامعه عثمانی، به نقد رویکردهای غرب‌گرایانه و اندیشه‌های نمایندگان آنها بپردازند. مجله یا هفته‌نامه سبیل‌الرشاد از جمله این منشورات بود که در چنین شرایطی به شکل ویژه و همه‌جانبه به هم‌آوردی فکری و قلمی با جریان رقیب فرهنگی می‌پرداخت تا حتی‌المقدور با دفاع از ارزش‌های اسلامی از ضریب نفوذ و اشاعه موج غرب‌گرایی در جامعه عثمانی بکاهد. از این‌رو، مسئله تستر و پوشش زنان از جمله موضوعات مهم مطرح شده در مقالات این مجله است که یکی از بحث‌های داغ و رایج محافل مذهبی و روشنفکری جامعه عثمانی در آن دوره بود. مقاله حاضر بر آن است تا چگونگی بازتاب موضوع تستر زنان در مجله سبیل‌الرشاد را به‌عنوان یکی از مسائل مهم جامعه عثمانی در دوره مشروطه بررسی کند و رویکرد نویسندگان مقالات این مجله در تبیین الزام تستر و نقد نظرات متجددین را مورد واکاوی قرار دهد. لازم به ذکر است در دوران انتشار این مجله افزون بر ابعاد دینی و شرعی مسئله تستر و پوشش زنان، مناقشات شکل‌گرفته حول آن، اغلب به‌عنوان نماد کشمکش‌های عمیق میان سنت و تجدد، هویت بومی و تأثیرات غربی و ارزش‌های ناشی از آن محسوب می‌شده است. براین‌اساس، با بررسی مقالات مرتبط با موضوع تستر مندرج در مجله سبیل‌الرشاد، می‌توان به درک عمیق‌تری از چگونگی و ابعاد مواجهه جریان‌های متدین جامعه عثمانی با چالش‌های ناشی از مدرنیته و تجددگرایان دست یافت.

باتوجه به اینکه زنان و مسائل آنها از جمله موضوعات مهم عصر دگرگونی جامعه متأخر عثمانی و دوره مشروطه دوم محسوب می‌شود، در مطالعات مربوط به این دوره کم‌وبیش به اشکال مختلف موردتوجه قرار می‌گیرد. با این اوصاف، در برخی مطالعات اخیر پوشش زنان در دوره مشروطه دوم به‌صورت محوری موردتوجه قرار گرفته و از مطبوعات این

دوره نیز استفاده می‌شود. ملک اوکسوز³ در مقاله خود تحت عنوان «Tesettür Tartışmalarının Dünü: II. Meşrutiyet Dönemi»، ضمن پرداختن به مشاجرات مربوط به تستر و مسئله حجاب، مواضع کلی طرفداران مشارکت اجتماعی بیشتر زنان و مواضع محافظه‌کاران سنتی را در دوره مشروطه دوم عثمانی بررسی و در مباحث خود از مقالات مندرج سبیل‌الرشاد درباره تستر استفاده کرده است (Öksüz, 2012: 470-483). کریم بایرام⁴ نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان *II. Meşrutiyet Dönemi yayın organlarından Sırat-ı Müskim'de kadın ve aile* به مسئله زن و خانواده در مطبوعات دوره مشروطه دوم و بر اساس صراط مستقیم را تبیین و ضمن آن تستر زنان را نیز بررسی می‌نماید (Bayram, 2010: 66-92). همچنین سمانه عسگری در پژوهش خود با عنوان «مقایسه پوشش زنان در حکومت عثمانی و زنان در حکومت قاجار»، به مسئله پوشش زنان در اواخر دوره عثمانی و مشاجرات بین اسلام‌گرایان و غرب‌گرا پرداخته است (عسگری، 121-121).

عصر مشروطه؛ دوران دگرگونی اجتماعی و فرهنگی

با اعلام قانون اساسی در ۷ ذی‌الحجه ۱۲۹۳ هجری/ ۱۸۷۶ میلادی توسط سلطان عبدالحمید دوم (قانون اساسی، ۱۳۲۴: ۲-۵؛ مدحت پاشا، ۱۳۲۵: ۱۸۸-۱۹۳)، دورانی کوتاه اما مهم در تاریخ عثمانی آغاز شد که به دوران مشروطه (اول) مشهور است. در این دوره، گروه اصلاح‌طلب موسوم به نوعثمانیان (ینی‌عثمانلی‌لر) و برخی شخصیت‌های منسوب به این جریان از جمله مدحت پاشا (د. ۱۳۰۰ ه/ ۱۸۸۴ م)، نقشی کلیدی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کردند. عثمانیان جوان عمدتاً خواستار نوسازی دولت و جامعه و استقرار

³ Melek Öksüz.
⁴ Kerim Bayram.

حکومت مبتنی بر قانون بودند و برای پیشبرد این اهداف خود از ابزارهای روزآمد آن روزگار مانند مطبوعات و روزنامه‌نگاری برای انتشار افکار نو بهره می‌گرفتند. نکته مهم و در خور اعتنا آن بود که این گروه‌ها با تلاش‌های پیگیر خود موفق شدند تا با استفاده از این شرایط و ابزارهای در دسترس به مانند مطبوعات، برای پیشبرد روند اصلاحات در جامعه عثمانی، محوریت را از دولتمردان به سمت روشنفکران و صاحبان قلم و اندیشه سوق دهند و نقش و جایگاه جامعه را در روند تحولات و پیشبرد آن تقویت کنند و این گامی مهم در مقایسه با ادوار پیشین بود. در واقع، نوع‌نمایان با الهام از اندیشه‌های فلاسفه غربی مانند مونتسکیو و روسو، می‌کوشیدند تا مفاهیمی مانند تفکیک قوا در نظام سیاسی را با شریعت اسلامی تطبیق دهد و اندیشه‌های سیاسی غربی را در چارچوب سنت‌های اسلامی بازتعریف کنند (حضرتی، 1390: ۱۴۶-۱۴۸؛ مدحت پاشا، 1325: ۱۸۸-۱۹۳؛ سید دانلی‌اوغلو، 1391: 345). به‌رغم استقرار نظام مشروطه به واسطه اینکه خاندان عثمانی و در رأس آن سلطان عبدالحمید دوم (حک. 1327-1293/هـ 1876-1909م) همچنان در پی حفظ اختیارات مطلق پیشین برای شخص سلطان بود و در نهایت با استفاده از تشدید مشکلات داخلی و خارجی، در صدد تغییر شرایط به نفع سلطنت مطلقه برآمد. برای تحقق این مهم، او مدحت پاشا را از مقام صدراعظمی عزل کرد (ذی‌الحجه 1293 هجری/فوریه 1877 میلادی) و سپس با به دست گرفتن ریاست شورای وزیران، اقتدار سلطنت را احیا نمود. با آغاز جنگ روسیه و عثمانی در ۱۲۹۴/هـ 1877م و پیشروی روس‌ها به سمت استانبول، بحران‌های داخلی تشدید گردید تا جایی که نمایندگان مجلس مبعوثان به انتقاد از مدیریت جنگ پرداختند. از این رو، سلطان عبدالحمید در ۱۰ صفر ۱۲۹۵ هجری/13 فوریه 1878 میلادی این مجلس را منحل و قانون اساسی را تعلیق نمود. این اقدام عبدالحمید، در واقع به معنای پایان دوره مشروطه اول و بازگشت به حکومت استبدادی بود (Shaw, and Kural Shaw, 1988: 2/182-186؛ نوری، 1327: ۱۹۷-۲۰۲؛ عبادی، 1403: 318/33).

با انحلال مجلس مبعوثان توسط عبدالحمید دوم، دوران کوتاه مشروطه و حاکمیت

قانون پایان یافت و دوره‌ای آغاز شد که طی آن عبدالحمید دوم به مدت سه دهه به‌عنوان سلطان مطلق العنان زمامداری کرد که از منظر مخالفان اغلب تحت عنوان دوران «استبداد حمیدی» (استبداد عبدالحمیدی) یا «اداره مستبده حمیدیه» شناخته می‌شود (ا. ر، 3). با این اوصاف، استبداد حمیدی به‌رغم ایجاد وقفه‌ای کوتاه، نتوانست مانع از استمرار تحولات سیاسی و اجتماعی شود. در همین دوره گروه تحول‌خواه جدیدی موسوم به «ترکان جوان» شکل گرفت که خواستار براندازی حکومت استبدادی حمیدی و احیای مشروطیت بود. این جریان متشکل از روشنفکران، نویسندگان و فعالان سیاسی که به دلیل حاکم شدن شرایط استبدادی شدید از سوی عبدالحمید دوم، عمدتاً در خارج از قلمرو عثمانی و به‌ویژه در پاریس، فعالیت می‌کردند و با استفاده از مطبوعات و انتشار روزنامه‌ها و مجلات، افکار آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه خود را ترویج می‌دادند و خواهان برقراری حکومت قانون، آزادی‌های اجتماعی در عین حفظ تمامیت ارضی عثمانی بودند. در واقع ترکان جوان با تأکید بر تساوی حقوق همه اتباع عثمانی فارغ از قومیت و مذهب، منادی ایجاد جامعه‌ای نوین و مبتنی بر مشارکت سیاسی همه آحاد جامعه بودند (صلاح‌الدین، 1334: ۴-۵؛ Ramsaur, 1957: 13-14). این جریان که در نهایت به شکل جمعیت اتحاد و ترقی متشکل شدند، نقشی محوری در تحولات اجتماعی و سیاسی دوران معطوف به احیاء نظام مشروطه ایفا نمودند. ترکان جوان در قالب تشکل خود یعنی جمعیت اتحاد و ترقی، فعالیت‌های سیاسی خود را تشدید کردند و با استفاده از نارضایتی‌های عمومی ناشی از مشکلات اقتصادی و استبداد عبدالحمید دوم، توانستند حمایت بخش‌های مختلف جامعه را جلب کنند (نک. رفیق، 1326: 4-33)، این در شرایطی بود که آن‌ها بر آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه تأکید می‌کردند. حضور مؤثر ترکان جوان در روند تحولات که با وقوع رخدادهایی مانند قیام سالونیک در ۱۳۲۶هـ/ 1908م این فرصت را برای این جریان فراهم آورد تا فشار بر سلطان عبدالحمید را تشدید و در نهایت او را وادار کردند تا مجدد مشروطیت را اعلام کنند. از این‌رو، در 24

جمادی الثانی 1326 هجری/23-24 ژوئیه 1908 میلادی قانون اساسی احیاء و مجلس بازگشایی شد (صلاح الدین، 1334: 7-10؛ نوری، 1327: 1119-1141). به این ترتیب، جامعه عثمانی وارد دوران جدیدی گردید که در آن نسبت به ادوار پیشین، از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بیشتری برخوردار بود، دورانی که طی آن مطبوعات، از جمله مطبوعات متعلق به گروه‌ها و جریان‌های دینی نیز با شکلی گسترده در صدد نقش آفرینی و تأثیرگذاری بر جامعه برآمدند.

روزنامه‌نگاری و مطبوعات دینی در عصر مشروطه دوم

با آغاز مشروطه، جامعه عثمانی از منظر تحولات اجتماعی وارد دوران جدیدی شد و به همراه آن حوزه مطبوعات و روزنامه‌نگاری هم دوران متفاوتی را تجربه کرد. در واقع به مانند عرصه سیاست، مشروطه می‌تواند به مثابه نقطه عطف مهمی در تاریخ مطبوعات در دوره عثمانی مدنظر قرار گیرد (نک. Benek, 2016: 30-35). فضای آزاد سیاسی از یک سو و فراهم شدن نسبی شرایط برای مشارکت فعالانه طبقات و جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه، فرصت مناسبی را برای رشد فعالیت‌های روزنامه‌نگاری فراهم آورده بود. با توجه به اینکه مقوله سانسور بر اساس سیاست‌های رسمی کاهش یافته بود، جریان‌های مختلف هر کدام مطبوعات خاص خود را داشتند. به همین دلیل نیز تعداد روزنامه‌ها در این دوره رشد قابل توجهی را تجربه کرد تا جایی که تعداد جراند منتشر شده در استانبول از 150 عنوان فراتر رفت (Koloğlu, 2006: 89-92; Topuz, 2003: 112-115). در این دوره روزنامه‌هایی مانند طنین و صراط مستقیم به عنوان ارگان‌های مهم فکری و سیاسی جریان‌های اتحاد و ترقی و اسلام‌گرایان نوگرا در صدد بودند نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره ایفا کنند.

در فضای نسبتاً آزاد دوره مشروطه دوم، جریان‌های مذهبی و سنت‌گرا نیز در سطح چشمگیری از ابزار رسانه یعنی مطبوعات برای پیشبرد اهداف مدنظر خود یعنی تحکیم و

تثبیت باورهای دینی - مذهبی و دفاع از عقاید اسلامی استفاده کردند. در واقع، جریان‌های باورمند دینی جامعه عثمانی در این شرایط حساس تاریخی، درصدد بودند از ارزش‌های اسلامی و مذهبی در سطح جامعه پاسداری کنند و به چالش‌های ایجاد شده برای نهاد دین ناشی از رواج تجدد و اندیشه‌های متجددانه، پاسخ قابل قبول ارائه دهند. این گروه‌ها بر این باور بودند که از طریق مطبوعات و روزنامه‌نگاری می‌توانند در سطحی وسیع‌تر با جامعه ارتباط گیرند و تشویش‌های فکری و ذهنی ایجاد شده برای جامعه متدین عثمانی به‌ویژه در مسائل دینی و مذهبی را برطرف نمایند (Çakır, 1994: 62, 68; Kara, 2208: 145; Topuz, 2003: 135). در این میان یکی از روزنامه‌های مهم دینی دوره مشروطه که در سطحی وسیع و مؤثر درصد کنشگری اجتماعی دین‌محور در جامعه برآمده بود، مجله صراط مستقیم بود که بعدها به سبیل‌الرشاد تغییر نام داد (نک. ادامه). در کنار روزنامه صراط مستقیم، روزنامه‌هایی مانند بیان الحق و المنار، که به‌رغم انتشار در مصر، در قلمرو عثمانی و استانبول نیز خوانندگان پرشماری داشت، از جمله جرائدی بودند که گفتمان جریان‌های مذهبی را در عرصه مطبوعات عثمانی نمایندگی می‌کردند و مسائل دینی و نیز فقهی و شرعی از جمله موضوعات مهم مدنظر نویسندگان این روزنامه‌ها بودند (Mardin, 2205: 144; Deringil, 1993: 20).

مجله سبیل‌الرشاد و مسئله زن در جامعه عثمانی

باوجوداینکه انتشار مجله سبیل‌الرشاد از سال 1330 هجری قمری آغاز شد، اما باید این مجله را ادامه مجله‌ای با عنوان صراط مستقیم دانست که حدود 4 سال قبل، انتشار آن آغاز شده بود. در واقع صراط مستقیم را می‌توان یکی از جرائد مهم دوره مشروطه عثمانی به شمار آورد که انتشار اولین شماره آن پنجشنبه 30 شعبان 1326 هجری/ 24 آگوست 1908 میلادی و به سردبیری ابراهیم حقی آغاز شد (نک. Hanioglu, 2001: 158; Topuz, 2003).

243-224; Kreiser, 2005: 115-112). عنوان فرعی مجله به صورت «دین، فلسفه، ادبیات، حقوق و علوم دین باحث هفته‌لق غزته‌در» درج شده بود (نک. صراط مستقیم، عدد 1، برنجی سنه، 30 شعبان، 1326، صفحه عنوان). این عنوان فرعی در شماره بعدی به صورت «دین، فلسفه، علوم، حقوق، ادبیات، تاریخ و سیاست، بالخاصه احوال و شئون اسلامی‌ه‌دن بحث ادر و هفته‌ده بر دفعه نشر اولونور» درج شده بود (صراط مستقیم، نومرو 111، جلد 5، صفحه جلد) که نمایانگر محورهای موضوعات مدنظر گردانندگان آن است و در این میان تأکید بر اختصاص این مجله به مسائل دینی و اسلامی است. از این رو، هفته‌نامه صراط مستقیم را باید ارگان فکری جریان اسلام‌گرای جامعه عثمانی در این زمان دانست که ترویج ارزش‌های دینی و اسلامی و مواجهه با چالش‌های پدیدآمده در جامعه از سوی جریان‌های متجدد و به تعبیر آنان «غرب‌گرا» را به عنوان اهداف مدنظر خود دنبال می‌کرد. در سال‌های نخست انتشار صراط مستقیم، این مجله به صورت مرتب منتشر می‌شد و به همین دلیل نیز به یکی از مهم‌ترین جرائد دینی و احتمالاً تأثیرگذارترین آنها تبدیل شد (Hanioğlu, 2001: 158; Topuz, 2003: 89-92; Georgeon, 2003: 312; Ahmad, 1969: 142; Kayal, 1997: 105; Bein, 2011: 67). با این اوصاف، در سال 1330 هجری/1912 میلادی و پس از انتشار 463 شماره، مجله صراط مستقیم به دلایلی نامشخص و احتمالاً مالی یا سیاسی متوقف شد (Boyar, 2009: 251-252; Efe, 2007: 89; Çelik, 2015: 157).

بازگشت صراط مستقیم به عرصه جرائد عثمانی و در شمار مطبوعات دینی در ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ هجری/14 مارس 1912 اتفاق افتاد. با این اوصاف، نام هفته‌نامه تغییر یافت و از این زمان به بعد تحت عنوان جدید سبیل‌الرشاد منشتر شد (Efe, 2009: 25; Çelik, 2015: 163). عنوان فرعی مجله نیز به شکل «دینی، علمی، ادبی، سیاسی هفته‌لق مجموعه اسلامی‌ه‌در» درج می‌شد و در دو سمت این عنوان آیات «والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم» (آیه 46 سوره نور) و «اتبعون اهدکم سبیل‌الرشاد» (آیه 38 سوره غافر) قرار

گرفته بود(نک. سبیل الرشاد، عدد 2-184، 25 ربیع الاول 1330، جلد 1-8، صفحه عنوان؛ شماره‌های دیگر مجله). استفاده از این آیات، که به دو تعبیر «صراط مستقیم» و «سبیل الرشاد» ختم شده‌اند، در کنار عنوان اصلی و فرعی مجله برای تداعی پیوستگی دو مجله استفاده می‌شد. به این ترتیب، به رغم این توقف کوتاه، روزنامه مهم دینی این دوره از تاریخ عثمانی به فعالیت خود استمرار بخشید. نکته مهم درباره سبیل الرشاد این است که مسائلی مانند وحدت امت اسلامی، مقابله با استعمار و نفوذ غربی‌ها، تلاش برای اصلاحات اجتماعی با محوریت دین اسلام، دفاع از هویت اسلامی جامعه عثمانی از جمله اهداف گردانندگان این مجله بود (Kayal, 1997: 118). از این رو، گفته می‌شود که مجله سبیل الرشاد در این دوره نقش مهمی در استمرار گفتمان دینی و اسلامی در فضای اجتماعی و مطبوعات و شکل‌دهی به افکار عمومی به ویژه جامعه متدین مسلمان ایفا می‌کرد و به نوعی طیف روشنفکران باورمند مسلمان را نمایندگی می‌کرد(نک. Shissler, 2003: 89; Bein, 2011: 81; Köroğlu, 2007: 95; Karpat, 2001: 217).

انتشار مجله سبیل الرشاد تا سال 1334 هجری/1924 میلادی، یعنی اندکی پس از برافتادن عثمانیان ادامه یافت. با توجه به اینکه پس از تأسیس دولت جمهوری ترکیه، انتشار اندیشه‌های دینی از طریق مطبوعات با سیاست مبتنی بر سکولاریسم مصطفی کمال پاشا همخوانی نداشت، از انتشار بسیاری از جرائد دینی از جمله سبیل الرشاد ممانعت به عمل آمد (Efe, 2009: 25; Zürcher, 2004: 187; Toprak, 1981: 94; Şen, 2017: 52). به این ترتیب، صراط مستقیم و خلف آن سبیل الرشاد یکی از مجلات بسیار مهم دوره مشروطه عثمانی و منادی افکار و اندیشه جریان‌های حامی گفتمان دینی و اسلامی اواخر دوره عثمانی به شمار می‌رود.

زن و زنانگی به مثابه مسئله اجتماعی

با عنایت به آن که روزنامه‌ها و مطبوعات اغلب منعکس‌کننده مسائل و نیازهای جامعه در دوره و زمانه خاص خود هستند؛ لذا موضوعات و مسائل مطرح شده در روزنامه‌ها و مطبوعات هر دوره را می‌توان، از اهم مسائل و دغدغه‌های آن دوره به شمار آورد. در جامعه عثمانی عصر مشروطه دوم نیز این مهم قابل مشاهده است. توجه به مجموعه موضوعات و مسائلی که در مجله یا هفته‌نامه سبیل‌الرشاد مورد بحث قرار داده شده است، به‌خوبی دغدغه‌ها و منظومه فکری و نظام اندیشگی گردانندگان و نویسندگان این مجله را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه در شماره 24-206 این مجله عنوان مباحث و مقالات مندرج به این شرح است: «تفسیر شریف» به قلم محمد فخرالدین؛ «حدیث شریف» نگاشته احمد نعیم؛ «اجتماعیات» به خامه م. شمس‌الدین؛ «ادبیات» نوشته محمد عاکف؛ «تربیه و تعلیم» به قلم م. شمس‌الدین؛ «تاریخ» نگاشته طاهر المولوی؛ «تراجم احوال/شمس‌الدین سیواسی» نوشته بروسه‌لی محمد طاهر بن رفعت؛ «مکاتیب» نویسندگان مختلف؛ «سیاسیات» و «شئون» بدون ذکر نام نویسندگان (سبیل‌الرشاد، عدد 24-206، 2 رمضان 1330، جلد 1-8، ص 453-472). توجه به این موضوعات و عناوین نشان می‌دهد که عمده دغدغه صاحبان مجله سبیل‌الرشاد از نوع دغدغه‌های دینی و اجتماعی بود، هر چند که به مسائل سیاسی و تحولات روز و زمان هم توجه داشتند (نک. Karpat, 2001: 185). در دوره مشروطه دوم به‌واسطه رواج تجدد و گسترش اندیشه‌های نوگرایانه متأثر از اروپا و غرب، حضور زنان در جامعه، آزادی‌های اجتماعی مربوط به زنان و نیز کم‌وکیف پوشش زنان به مسئله و بحث روز جامعه عثمانی تبدیل شده بود (Göçek, 1996: 214; Frierson, 2008: 137). ازاین‌رو، هفته‌نامه سبیل‌الرشاد، به‌واسطه نمایندگی از قشر فرهیختگان دینی و مذهبی جامعه عثمانی، از مقطعی به صورت جدی ذیل مسائل اجتماعی و صفحه «اجتماعیات»، به مسئله زنان (قادین مسئله‌سی) و موضوع آزادی‌های اجتماعی و چگونگی حضور آنان در جامعه به سبک و شیوه‌های غربی و اروپایی واکنش نشان داده است. ازاین‌رو، در برخی شماره‌های این مجله

مسئله تستر و پوشش زنان و به‌طورکلی مسائل مرتبط با آزادی‌های اجتماعی آنان موردتوجه و تحلیل قرار گرفته است. بررسی این مقالات ابعاد مختلف اندیشه نویسندگان آنها و نیز مجموعه مجله سبیل‌الرشاد را نشان می‌دهد که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

انتقاد از اندیشه اعطای آزادی مطلق به زنان

در شماره 267 این مجله که در 22 ذی‌العقده 1331 منتشر شده، مقاله‌ای تحت عنوان «قادینلره حریت مطلقه ویرمک استهینلریم الندن وای او بیچاره‌لرک باشنه» (وای به حال کسانی که خواهان آزادی مطلق برای زنان هستند) به قلم محمد فرید مجدی درج شده است. مجدی در ابتدای این مقاله، به مانند عنوان آن، نسبت به طرح مساله آزادی برای زنان و کنار نهادن تستر (حجاب) از سوی زنان در قاهره واکنش تندی نشان می‌دهد. از نگاه مجدی، ایجاد مزاحمت‌های مختلف از سوی جوانان برای زنان که در خیابانها و کوچه‌ها حاضر می‌شوند، از کنار نهادن پوشش و حجاب و تستر از سوی زنان ناشی می‌شود که همواره مهمترین مانع اختلاط زنان با مردان بوده است. از نظر نویسنده، شیوع مشکلات اخلاقی و فزونی یافتن تعرض به زنان، به واسطه کنار نهادن تستر است. او با تعجب این سوال را مطرح می‌کند که «عجبا تستر، نظر بصیرته نه وقت چیرکین کورونمش ایدی؟» (حجاب از منظر بصیرت از چه زمانی زشت دانسته شده است؟). مجدی با بیان این مهم که زنان مسلمان هیچ وقت اسیر طبقه مردان نشده‌اند، تأکید می‌کند که حتی در بین طبقات پایین اجتماع نیز اخلاق همیشه ضامن و حامی زنان بوده است. نکته جالب توجه اینکه مجدی با اشاره به برخی نقصانها درباره حقوق زنان، این نکته را مطرح می‌کند که چرا به جای تلاش برای یافتن راه‌حلهای شرعی برای رفع این نقصانها و تبعیض‌ها، «به برداشتن حجاب تمرکز شده است؟» طعنه مجدی به طرفداران کشف حجاب و شبیه شدن زنان مسلمان به زنان اروپایی، در نوع خود جالب توجه است. از دیدگاه وی زنان اروپایی اساساً برخلاف زنان مسلمان از بسیاری حقوق

اولیه محروم بوده‌اند، اما این واقعیت‌ها اغلب از سوی طبقات روشنفکر نمای غرب‌گرا آگاهانه نادیده گرفته می‌شود و اباحی‌گری و آزادی مطلق و کشف حجاب پررنگ جلوه داده می‌شود (سبیل‌الرشاد، عدد 267، 22 ذی‌العقده 1331، جلد 11، ص 103).

لذت‌جویی دلیل تأکید بر کناره‌نهادن حجاب

از نظر مجدی آنچه به نام و ذیل فراهم کردن آزادی برای زنان مدنظر است، در واقع ایجاد شرایطی برای لذت‌جویی بیشتر مردان از زنان است، ضمن آنکه نشان می‌دهد گروه‌های غرب‌گرا «صرفاً به ظواهر تمدن نوین چنگ می‌زنند» (سبیل‌الرشاد، عدد 267، 22 ذی‌العقده 1331، جلد 11، 103-104). از فحوای بحث‌های نویسنده این مقاله برمی‌آید که وی علاوه بر پاسخ به طرف‌داران اعطای آزادی‌های اجتماعی به زنان در صدد نقد و رد نظرات قاسم امین بک (د. 1326 هـ/ 1908 م) روشنفکر مصری در این دوره برآمده است که در دو اثر مهم خود یعنی تحریر المرأة و المرأة الجديدة به تبیین شرایط و محدودیت‌های زنان در جوامع اسلامی به‌ویژه مصر پرداخته و ضرورت اعطای آزادی‌های اجتماعی به زنان و رفع تبعیض بین زنان و مردان مسلمان را خواستار شده بود.

تستر ضامن اخلاق عمومی و حافظ اجتماعی شأن زنان

مخالفت‌ها با اعطای آزادی‌های اجتماعی بیشتر برای زنان و انتشار آن در جرائد و مجلات این مقطع زمانی از تاریخ عثمانی، از یک سو بازتاب‌دهنده ذهنیت برآمده از فرهنگ مردسالارانه جوامع سنتی اسلامی است و از سوی دیگر کم‌وکیف و چگونگی نگرش آنها را در مقابل تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مناسبات با جوامع غربی نشان می‌دهد. برای طرف‌داران نگرش‌های سنتی که دیدگاه و نقطه‌نظرات خود را به‌مثابه دیدگاه شرع و دین اسلام عنوان می‌کردند، زنان چه در گذشته و چه در این زمان از حقوق کافی و در حد کفایت برخوردار بوده‌اند و در چارچوب فرهنگ برآمده از شرع و مذهب، به‌واسطه پوشیدگی و داشتن

تستر (حجاب) نقش مهمی در سلامت اخلاقی جامعه و ممانعت از کج‌روی‌های اخلاقی و بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌ها داشته‌اند. از منظر این جریان، هر گونه اعطای نقشی فراتر از آنچه به‌زعم آنان، شرع و سنن جوامع مسلمان تعیین کرده و از آن با تعبیر «حریت مطلق» یاد می‌کنند، به مثابه به انحطاط کشاندن زنان و به دنبال آن سقوط اخلاقی جامعه است و برای این مهم با تعبیر و حتی ادبیاتی عامیانه به نقل برخی مزاحمت‌ها و رذایل اخلاقی برخی مردان و جوانان اشاره می‌کنند (نک. سبیل‌الرشاد، عدد 267، 22 ذی‌القعدة 1331، جلد 11، 104-103؛ سبیل‌الرشاد، عدد 268، 29 ذی‌القعدة 1331، جلد 11، ص 114-115).

خودباختگی و کم‌رنگ شدن غیرت مردان عامل رواج بی‌حجابی

مجدی ادامه مباحث خود را با همان عنوان قبلی یعنی «قادینلره حریت مطلقه ویرمک استهینلریم لندن وای او بیچاره‌لرک باشه» در شماره 268 مجله سبیل‌الرشاد ادامه داده است. او در این مقاله نیز با درپیش گرفتن همان منطق یادداشت پیشین خود و نیز ایجاد نوعی دیالوگ و گفتگو بین خود و طرف‌داران کشف حجاب ایجاد کرده و در این راستا، با نقل نقطه‌نظرات آنها، سعی می‌کند پاسخ‌های خود را بیان کند. در این میان منطق استدلال‌های به کار گرفته شده توسط مجدی قابل‌توجه است که سعی دارد با اتکا بر سنن مردسالارانه ضمن و ذیل تعبیر «غیرت»، «ناموس»، و نیز باتکیه بر اخلاقیات و در مواردی با استناد به مباحث و اصول شرعی به رد نقطه‌نظرات و استدلال‌های طرف مقابل پردازد. مجدی ماحصل بحث خود را این‌گونه آورده است که «از نظر ما اندیشه برداشتن حجاب به‌هیچ‌وجه از آرمان تعالی زنان و دست‌یافتن به آن نشئت نمی‌گیرد. در این اندیشه بیشتر تأثیر فسونکارانه تمدن غربی نهفته است» و در ادامه بحث خود سوگند یاد می‌کند که اگر امروزه چینی‌ها ملتی پیشرفته بودند باز ما متأثر از آنها، فکر می‌کردیم که زنانمان باید به سبک و شیوه زنان چینی لباس بپوشند (سبیل‌الرشاد، عدد 268، 29 ذی‌القعدة 1331، جلد 11، ص 115).

اسلام و سنت‌های اسلامی ضامن حقوق زنان

ابراهیم علی افندی که علی‌الظاهر از موافقان ارانه آزادی‌های اجتماعی بود و مقالات و مباحث محمد فرید مجدی را دنبال می‌کرد، در نوشته‌ای اندیشه‌های وی در باب زنان را مورد نقد قرار داده بود و با بیان اینکه «زن نصفِ متمم انسانیت است؛ زن روح خانواده و اساس جامعه و منشأ نسل محسوب می‌شود» و بر اینکه در ادوار متقدم تاریخی از جمله در مصر، زنان دارای حق و حقوق خود بودند، به‌صورت ویژه تأکید می‌کند. وی به انتقاد از محدودیت‌های ایجاد شده بر زنان در زمان خود پرداخته و چنین می‌گوید: «زنان ما در شرایط گمنامی زندگی می‌کنند. بخش زیادی از زمانشان را [به‌ناچار] در منزل می‌گذرانند، از دنیا فقط بخش به‌غایت محدودی را می‌توانند ببینند. زنان ما از هر گونه فکر و اندیشه و جریانی محروم هستند. درباره مباحث دینی نیز اطلاع چندانی ندارند. [در مجموع] زنان در وضعیت اسفباری قرار دارند» (نقل قول در: سبیل الرشاد، عدد 269، 6 ذی‌الحجه 1331، جلد 11، ص 130). مجدی به ناگزیر در شماره بعدی مجله سبیل الرشاد به انتقادات ابراهیم علی افندی در قالب دنباله مقالات خود در باره زنان، پاسخ داده است. او با نقل مهم‌ترین محورهای منتقد بحث‌های خود و در پاسخ بدان نکات قابل تأملی را مطرح کرده است. از نظر مجدی «شریعت اسلام برای زنان مسلمان حقوق زیادی را در نظر گرفته که اساساً زنان اروپایی از آن محروم هستند؛ اینکه برخی زنان از این حقوق محروم مانده‌اند ارتباطی به حجاب یا نداشتن حجاب ندارد. دلیل درستی این ادعا هم در این نکته نهفته است که: آن بخش از زنانی که بیش از دیگران از حقوقشان محروم مانده‌اند و بیش از دیگران در معرض ظلم مردان قرار گرفته‌اند، زنانی بدون پوشش حجاب هستند. زنان طبقات پایین جامعه و زنان کشاورزان که در تمام زندگی خود دوشادوش شوهرانشان کار می‌کنند در زمره این زنان [محروم از حقوقشان] هستند. همچنین زنان آفریقایی یا استرالیایی که حجاب ندارند و اغلب برهنه هستند؛ جایگاه اجتماعی پستی دارند و در نظر مردان به‌اندازه یک ارزن ارزش ندارند و حتی قتل زنان نیز قباحتی ندارد» (سبیل الرشاد، عدد 269، 6 ذی‌الحجه 1331، جلد 11، ص 130). مجدی در ادامه بحث

خود بر این نظر تأکید می‌کند که «برداشتن حجاب موجب اختلاط مرد و زن [در جامعه] می‌شود و در نتیجه به پریشانی حیرت‌انگیزی در نظام جامعه اسلامی خواهد انجامید» (سبیل‌الرشاد، عدد 269، 6 ذی‌الحجه 1331، جلد 11، ص 130-131). وی بعد از بحث در باره جزئیات و نقطه‌نظرات مربوط به طرف‌داران اعطای آزادی‌های بیشتر برای زنان و با ذکر چالش‌های عمدتاً اخلاقی و شرعی پیشروی جامعه در نهایت بحث خود را چنین جمع‌بندی می‌کند: «الحاصل، اگر ارکان گروه طرفدار اعطای حریت به زنان واقعاً قصد خدمت به مملکت دارند، سخن «برداشتن حجاب» (مستوریتی قالدیرمق) را باید جمیعاً به زبان نیاورند؛... والله یهدیهم الی سواء الصراط» (سبیل‌الرشاد، عدد 269، 6 ذی‌الحجه 1331، جلد 11، ص 131-132).

کج‌روی‌های اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی پیامد رفع تستر

پرداختن به موضوع زنان ذیل مباحث «اجتماعیات» در مجله سبیل‌الرشاد، نشان می‌دهد که بحث زنان از مسائل مهم اجتماعی در عصر مشروطه دوم بود. عبداللطیف نوزاد در مقاله‌ای تحت عنوان «اولا ارککلریمزی اورتلم» ضمن بررسی شرایط نامطلوب عثمانی‌ها در اروپا که منجر به تشدید غم و اندوه در استانبول شده است، به انتقاد از تجدد و تغییرات بنیادین و همه‌جانبه پرداخته و بر این نظر است که باید بین تجدد و دین و باورهای دینی و مذهبی نوعی از توازن و هماهنگی به وجود آید تا از این طریق «جسم وطن، به‌سوی شاهراه نجات سوق پیدا می‌کند» (سبیل‌الرشاد، عدد 241، 18 جمادی‌الاولی 1331، جلد 10، ص 112-113). او «تستر» یا همان حجاب و پوشیدگی زنان را در کنار مسائل مهمی مانند ازدواج و تحصیل قرار می‌دهد و به‌صورت ویژه بر موضوع «رفع تستر» (برداشتن حجاب زنان) متمرکز می‌شود. نوزاد با اشاره به برخی استدلال‌های موافقان برداشتن حجاب در جامعه عثمانی مبنی بر این که تستر و پوشیدگی عملاً موجب شده است تا نوعی از کج‌روی اجتماعی در مسائل

جنسی پدید آید و جامعه با فوران احساسات و تمایلات جنسی مواجه شود، به انتقاد از این نوع نظرات می‌پردازد و عنوان می‌کند که ازدواج مهمترین راه حل برای رفع چنین غلیانهایی در جامعه است. «حجاب شرعی، مانع پیشرفت زنان مسلمان در کدام زمینه‌ها شده است؟ در حوزه‌های فراگیری خواندن و نوشتن، مسائل تربیتی، اخلاقی، سیر به سوی خوشبختی، انجام وظائفشان، دست یافتن به حقوق‌شان و یا چه چیز دیگری...؟». به باور وی، با وجود آنکه داشتن حجاب حکمی شرعی برای همیشه و همه جا بوده، نه تنها مانع پیشرفت زنان فاضل نشده، بلکه از تبدیل شدن زنان به «عرصه تجاوز رجال» ممانعت به عمل آورده است و از وقار زنانگی با کمال متانت محافظت نموده و «صحت نسب هر مسلمانی» را تضمین کرده است (سبیل الرشاد، عدد 241، 18 جمادی الاولی 1331، جلد 10، ص 113). نکته جالب توجه دیگر در تشریح اوضاع و شرایط زنان در جامعه عثمانی، تاکید عبداللطیف نوزاد بر این موضوع است که «انحطاط اجتماعی زنان مسلمان در روزگار کنونی» یک واقعیت مسلم است اما بین این شرایط و داشتن حجاب (تستر) ارتباطی وجود ندارد و تاریخ اسلام خود گواه روشنی برای درستی این استدلال است. او همچنین بر طرفداران این نظر که «اروپایی‌ها، مخالف حجاب هستند و آنها انسانهای عاقلی هستند و ما تابع رأی و نظر آنها هستیم»، به شدت می‌تازد و عنوان می‌کند که در مقابل چنین طرز فکر مبتنی بر تقلید عامیانه از اروپایی‌ها عملاً حرفی برای گفتن وجود ندارد، اما این گروه‌ها از دست‌اندازی به باورهای اهل اسلام بی‌گناه دست بردارند (سبیل الرشاد، عدد 241، 18 جمادی الاولی 1331، جلد 10، ص 113).

برهنه‌گرایی به جای اعطای آزادی به زنان

محمد فرید وجدی نیز در شماره 268 مجله سبیل الرشاد در قسمت «اجتماعیات» مطلبی تحت عنوان «قادینلره حریت مطلقه و یرمک ایسته ینلرک الندن وای او بیچاره لرک باشنه» (وای به حال کسانی که برای زنان آزادی مطلق می‌خواهند)، با بیان و زبانی تند به انتقاد از کسانی می‌پردازد که خواستار آزادی‌های اجتماعی، در تقابل با سنتهای مرسوم در جامعه عثمانی در

اعصار و روزگاران پیشین بودند. او با مخاطب قرار دادن موافقان آزادی‌های بیشتر برای بانوان، سعی می‌کند برخی دیدگاه‌های مطرح شده از سوی آنها را در جراید نقل قول و سپس مورد نقد و بررسی قرار دهد. از نظر فرید وجدی، این افراد با وجود آن که بحث آزاد کردن زنان از اسارت سنن پیشین را مطرح می‌کنند؛ ولی تا کنون اقدام خاصی برای تحقق این هدف انجام نداده‌اند و تنها کاری که صورت داده‌اند، «برهنه گرداندن زنان [در انظار عمومی] است» و با چنین اقدامی دعوی آزاد کردن زنان از اسارت را مطرح می‌کنند.

نقد آرای تجددگرایان خواهان رفع تستر

بحث حجاب (تستر)، متأثر از آشنایی عثمانیان با پوشش متفاوت اروپاییان و تحت عنوان «نسائیات» و با عنوان فرعی «ینه تستر مسئله‌سی» (باز هم مسئله حجاب) در مجله سبیل‌الرشاد و به قلم محمد فرید وجدی به شکل ویژه‌ای مورد بحث قرار گرفته است. از مقدمه مقاله برمی‌آید که طرفداران کشف حجاب در این زمان با استفاده از مطبوعات درصدد اشاعه نظر خود در جامعه بودند (سبیل‌الرشاد، عدد 276، 26 محرم 1332، جلد 11، 275). بنابر تحلیل نویسنده مقاله از مطالب نگاشته و نشر داده شده از سوی مخالفان حجاب، آنها از ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی حجاب شرعی را زیر سؤال برده‌اند. در این میان، بنا بر گفته وجدی، او و هم‌فکرانش نیز بحث‌ها و استدلال‌های جناح فکری مخالف را با دقت زیر نظر قرار داده بودند. نویسنده برای نقد نظرات طرفداران کشف حجاب، نقطه‌نظرات استدلالی آنها را نیز مطرح کرده است از جمله اینکه «نه در قرآن و نه در حدیث، درباره پوشیده بودن زنان، دوری گزیدن آنها از مردان، عدم اختلاط با جنس مذکر، حضور در جامعه با چهره پوشیده شده، نص مشعر به نهی وجود ندارد». همچنین در این بحث تأکید می‌شود که هر گونه نهی در این باره به همسران پیامبر (ص) اختصاص داشته و به زنان دیگر تسری پیدا نمی‌کند. در ادامه این مباحث استدلال‌های دیگری به‌مانند اینکه حجاب، از

سنت‌های قومی و دینی ما (عثمانی‌ها و ترکان) محسوب نمی‌شود و حجاب متعلق به قشر ثروتمند است، حجاب عامل ریا و پنهان داشتن زشتی‌ها است و اینکه در جوامع روستایی عملاً کاربردی ندارد، مطرح شده است (سبیل‌الرشاد، عدد 276، 26 محرم 1332، جلد 11، 275).

باتوجه به اینکه بخشی از مباحث منتقدان حجاب به نصوص دینی مربوط به آن مستند شده است، محمد فرید وجدی درصدد برآمده است تا با بیان آیات قرآنی مربوط به حجاب یعنی آیه 59 سوره احزاب و نیز آوردن نظر مفسران معتبری مانند طبری، نظام‌الدین نیشابوری و ذکر احادیث و روایات مربوط به بحث حجاب از صحابه، نشان دهد که برداشت و فهم مبتنی بر تحدید حجاب به همسران پیامبر (ص) اشتباه است و در اصل رعایت حجاب برای همه زنان مؤمن و مسلمان فرض و واجب شرعی است. او حتی برای اثبات برداشت خود از این مساله، به نمونه‌های تاریخی مربوط به عصر پیامبر (ص) اشاره می‌کند و در پایان تأکید می‌کند که «بنیان مسلمانی این است که هم در نص و هم در تاریخ متجلی می‌شود» و هر گونه تلاش برای نادیده گرفتن چنین بنیانی، تحریفی آشکار در دین خواهد بود. مجدداً استدلال می‌کند که در اصل حجاب و تستر «مهمترین قاتل امراض اجتماعی در جوامع انسانی و تضمین‌کننده قوی سلامتی آنها است» (سبیل‌الرشاد، عدد 276، 26 محرم 1332، جلد 11، 275-276).

نتیجه

نویسندگان متدین و باورمند مجله سبیل‌الرشاد، با علم به اینکه جامعه عثمانی در دوره مشروطه در آستانه تغییرات عمیق اجتماعی است، با پرداختن به مسئله تستر در مقالات منتشر شده خود در این مجله، در تلاش بودند نشان دهند که تستر و حفظ پوشش شرعی امری واجب و الزامی است. آنها برای اقناع مخاطبان خود و در اصل برای همراه ساختن عموم جامعه عثمانی با دیدگاهشان درباره پوشش، در نوشته‌های خود از ابعاد مختلف به تبیین الزام

و ضرورت تستر می‌پرداختند. از یک سو، به آیات قرآنی و احادیث استناد می‌کردند و یا به سنت پوشش در بین مسلمانان صدر اسلام ارجاع می‌دادند و استدلال می‌کردند که تستر یک واجب شرعی و برای همه ادوار و زمان‌ها است و نمی‌توان تحت هیچ شرایطی در این حکم و الزام شرعی و دینی تغییری ایجاد کرد؛ از سوی دیگر نویسندگان مجله سبیل‌الرشاد تلاش می‌کردند نمونه‌ها و تجارب موفق زنان از تاریخ اسلام را نشان دهند تا به این طریق اثبات شود که تستر مانعی برای حضور اجتماعی و نقش‌آفرینی زنان در جامعه نبوده است. از این رو، تلاش افراد غرب‌گرا برای مخدوش کردن وجهه زن مسلمان با حجاب امری غیرقابل قبول است. علاوه بر این، غیرت مردان مسلمان و مرد متدین عثمانی مانع از این می‌شود که نوامیسش بدون پوشش مناسب در کوچه و بازار حاضر شود. در کنار این طیف از استدلال‌ها، نقد دیدگاه‌های طرفداران اختیاری بودن و غیرالزامی بودن تستر نیز در دستور کار نویسندگان متدین مجله سبیل‌الرشاد قرار داشت. آنها در مقالات خود و با لحنی تند و گزنده، تصویر آرمانی زن اروپایی، به‌عنوان زن مرفقی و با تمدن را به نقد می‌کشیدند و سعی می‌کردند تا با عنوان کردن سوءاستفاده مردان از زنان در صورت اعطای آزادی‌های اجتماعی مشابه، تبیین نمایند که چنین اتفاقی موجب رواج بی‌اخلاقی در جامعه خواهد بود و امنیت اجتماعی و اخلاقی آن را از میان خواهد برد. این در حالی است که اسلام جایگاه به‌مراتب والاتری برای زنان در جامعه در نظر گرفته است و تستر از جمله الزامات احقاق این جایگاه برای زنان است. از این رو، می‌توان گفت که مقالات مندرج در مجله سبیل‌الرشاد درباره تستر، به‌خوبی بازتاب‌دهنده نظرات جامعه متدین تحصیل کرده و به عبارتی نخبگان دینی جامعه عثمانی در دوره مشروطه دوم است. در واقع نویسندگان با تأکید بر ضرورت حفظ تستر (حجاب) آن را عاملی مبنایی برای حفظ اخلاق و ارزش‌های دینی جامعه می‌شمردند و دیدگاه‌های غرب‌گرایان را که درصدد بودند تستر را به‌عنوان مانعی برای پیشرفت زنان قلمداد کنند، به‌شدت نقد و رد می‌کردند. این نویسندگان با استناد بر متون دینی و آرای علمای شاخص

مسلمان در صدد بودند تا اهمیت حجاب را برای عموم مردم تبیین کنند و مانع از شایع شدن دیدگاه معطوف به ارائه آزادی‌های اجتماعی به زنان از جمله اختیار در پوشش در جامعه شوند.

کتابنامه

- ا. ر [رفیق، احمد] (1324). سلطان محمد خامس حضرتلری حیات ماضیه و خصوصیه‌سی. استانبول. حضرتی، حسن (1390). مشروطه عثمانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- رفیق، احمد (1326). انقلاب عظیم، در سعادت: عصر مطبعه‌سی. سبیل الرشاد، عدد 2-184، 25 ربیع‌الاول 1330، جلد 1-8. سبیل الرشاد، عدد 24-206، 2 رمضان 1330، جلد 1-8. سبیل الرشاد، عدد 241، 18 جمادی‌الاولی 1331، جلد 10. سبیل الرشاد، عدد 276، 26 محرم 1332، جلد 11. سبیل الرشاد، عدد 267، 22 ذی‌العقده 1331، جلد 11. سبیل الرشاد، عدد 268، 29 ذی‌العقده 1331، جلد 11. سبیل الرشاد، عدد 269، 6 ذی‌الحجه 1331، جلد 11.
- سید دانلی اوغلو، محمد (1391). «از دیوان همایون تا مجلس مبعوثان در امپراتوری عثمانی». در: امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات، ترجمه رسول عربخانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- صراط مستقیم، عدد 1، برنجی سنه، 30 شعبان. 1326. صراط مستقیم، نومرو 111، جلد 5.
- صلاح‌الدین (1334). محمد، بیلدکلم. مصر القاهرة: امین هندیه مطبعه‌سی. عبادی، مهدی (1403). «عثمانی، حکومت». دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- عسگری، سمانه. «مقایسه پوشش زنان در حکومت عثمانی و زنان در حکومت قاجار». مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، سال 3، شماره 2، 1403.
- قانون اساسی [سنه 1293]، استانبول 1324.
- مدحت پاشا (1325). تبصره عبرت حیات سیاسیه، خدماتی، منفا حیاتی. استانبول: 1325.
- نوری عثمان (1327). عبدالحمید ثانی و دور سلطنتی حیات خصوصیه و سیاسی. استانبول.
- Ahmad, F. (1969). *The Young Turks: The Committee of Union and Progress in Turkish Politics, 1908–1914*. Oxford: Clarendon Press.
- Bein, A. (2011). *Ottoman Ulema, Turkish Republic: Agents of Change and*

- Guardians of Tradition*. Stanford, California: Stanford University Press.
- Bayram, Kerim (2010), *II. Meşrutiyet Dönemi yayın organlarından Sırat-ı Müskim'de kadın ve aile*. Yüksek Lisans Tezi. Ankara: Ankara Üniversitesi, İslam Tarihi Bilim Dalı.
- Benek, K. (2016), "Osmanlı'da basının doğuşu ve II. Meşrutiyet'e kadarki gelişimi", *Siirt Üniversitesi. Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, sayı 6-7, ss. 27-39.
- Boyar, E. (2007). "Ottoman Society and the Press: The Rise of the "New" Intellectuals". In *Ottoman Women in Public Space*. Leiden: Brill.
- Çakır, R. (1994). "Osmanlı'da İslamcı Dergicilik: Sırat-ı Müstakim ve Sebilürreşad Örneği". *Toplum ve Bilim Dergisi*. s. 64, ss.55-78.
- Çelik, H. (2015), *The Ottoman Press (1908–1923): Cultural and Political Dynamics*. Leiden: Brill, 2015.
- Deringil, S. (1993), "The Invention of Tradition as Public Image in the Late Ottoman Empire 1808-1908". *Comparative Studies in Society and History*, 35(1), 3-29.
- Efe, Adem (2009). "Sebilürreşad". *İslam Ansiklopedisi*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı.
- Frierson, E. B. (2000), "Unimagined Communities: Women and Education in the Late Ottoman Empire". *Critical Matrix*, 12(2), 55-90.
- Georgeon, F. (2003). *Abdülhamid II: Le Sultan Calife*. Paris: Fayard, 2003.
- Göçek, F. M. (1996). *Rise of the Bourgeoisie, Demise of Empire: Ottoman Westernization and Social Change*. Oxford University Press.
- Hanioglu, M. Ş. (2001), *Preparation for a Revolution: The Young Turks, 1902–1908*. Oxford University Press.
- Kara, İ. (2008), *İslamcılarının Siyasi Görüşleri: Hilafet ve Meşrutiyet*, İstanbul: Dergâh Yayınları.
- Karpat, K. H. (2001), *The Politicization of Islam: Reconstructing Identity, State, and Community in the Late Ottoman State*, Oxford University Press.
- Kayalı, H. (1997), *Arabs and Young Turks: Ottomanism, Arabism, and Islamism in the Ottoman Empire, 1908–1918*. University of California Press.
- Koloğlu, O. (2006), *Osmanlı'dan 21. Yüzyıla Basın Tarihi*. İstanbul: Pozitif Yayınları.
- Köroğlu, E. (2007). *Ottoman Propaganda and Turkish Identity: Literature in Turkey During World War I*. London and New York: I.B. Tauris.
- Kreiser, K. (2005)., "The Beginnings of the Press in Turkey: 1831-1928".

- Late Ottoman Society: The Intellectual Legacy*. ed. E. Özdalga. pp. 224-243, Routledge.
- Mardin, Ş. (2005). *Religion, Society, and Modernity in Turkey*. Syracuse University Press.
- Öksüz, Melek (2012). “Tesettür tartışmalarının dünü: II. Meşrutiyet dönemi”. *Türkoloji Araştırmaları: International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, c. VII, ayı: 4, s. 467-487.
- Ramsaur, Ernest Edmondson (1957). *The young turks: prelude to the revolution of 1908*, Princeton.
- Şen, S. (2017), “Press Censorship in Early Republican Turkey (1923-1945)”. *International Journal of Turkish Studies*. 23(1-2), pp. 45-68.
- Shaw, Stanford Jay and Kural Shaw, Ezel (1988). *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*, New York: Cambridge University press.
- Shissler, A. H. (2003), *Between Two Empires: Ahmet Ağaoğlu and the New Turkey*. London and New York: I.B. Tauris.
- Toprak, B. (1981). *Islam and Political Development in Turkey*, Liden: Brill.
- Topuz, H. (2003), *Türk Basın Tarihi*, İstanbul. Remzi Kitabevi.
- Zürcher, E. J. (2004). *Turkey: A Modern History*. London and New York: I.B. Tauris.